

تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی

Group belonging to Place, Realization of Social Residence, in Traditional Neighborhood

Mohammad Taghi Pirbabaie* Ph.D
Hassan Sajjadzadeh**

محمد تقی پیربابایی*

حسن سجاذزاده**

Abstract

Studies in urban design and quality of place of residence include a lot of discussions about the importance of physical-spatial and semantic elements as well as social structures etc. to convey a sense of place. However, less emphasis is placed on the concept of group belonging to place of residence as a parameter that gives a location a specific meaning.

This article outlines three types of relationships between a society and the place it belongs to: spiritual-mental, moral-ideological and biographical. It then strives to determine, measure, and compare these relationships in one of the traditional neighborhoods of the city of Hamedan. The authors have conducted field studies and interviews with residents of this neighborhood to evaluate the dimensions and influences of group belonging to place of residence.

This research shows group belonging to a traditional neighborhood are strong and have strongly influenced the mentality of residents regarding the identity of the place they live in. The three types of spiritual-mental, moral and biographical relationships between society and place of residence are interconnected and play an indivisible role in creating a sense of belonging.

Keywords

Traditional neighborhood, group belonging to place of residence, Collective residence, Spiritual-Mental relationships, Ideological and Moral relationships, Biographical relationships.

چکیده

اگرچه در مطالعات طراحی شهری و کیفیت مکان، بحث‌های فراوانی در ارتباط با اهمیت عناصر کالبدی- فضایی، معانی، ساختارهای اجتماعی و ... در ایجاد حس مکان شده است، اما در این بین، تحقیقات کمتری در مورد تعلق جمعی به مکان به عنوان پارامتری که به مکان معنا و مفهوم می‌بخشد، صورت گرفته است. این مقاله با تبیین شاخص‌های روابط مذکور و تحقیقات میدانی، به اندازه‌گیری و مقایسه آنها در یکی از محله‌های سنتی شهر همدان پرداخته است. مطالعات میدانی و مصاحبه‌های حضوری با ساکنین محله جهت ارزیابی ابعاد تعلق جمعی به مکان و تأثیر آن روی یکدیگر با تحلیل‌های آماری انجام گرفت. این تحقیق نشان می‌دهد که تعلق به مکان، نقطه تلاقی عناصر کالبدی، مفاهیم ذهنی فرد از مکان و ساختارهای اجتماعی می‌باشد که در سه رابطه روحی - روانی، اخلاقی و بیوگرافیکی قابل دسته‌بندی می‌باشد و همچنین ثابت می‌کند که تعلق جمعی به محله سنتی، بالا و قوی می‌باشد و همین امر ذهنیت ساکنان محله را بر روی هویت مکان‌ها و تعلق به آنها تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین روابط مذکور بر همدیگر تأثیر مستقیم و بسزایی داشته، طوری که پیوند بین آنها در ایجاد تعلق جمعی غیر قابل انفکاک می‌باشد.

واژگان کلیدی

محله سنتی، تعلق اجتماعی به مکان، سکونت جمعی، رابطه روحی- روانی، رابطه ایدئولوژیکی و اخلاقی، رابطه بیوگرافیکی.

*دکتری طراحی شهری. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز. pirbabaie@hotmail.com.

** پژوهشگر دکتری شهرسازی اسلامی. دانشگاه هنر اسلامی تبریز. عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان.

نویسنده مسئول ۰۸۱۱۴۲۲۹۰۵۰ h.sajadzadeh@gmail.com

*Assistant professor, Islamic Art University, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz, I, R, Iran

** Ph.D candidate of Islamic Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz, I, R, Iran. Lecturer, Bu-AliSina University, Faculty of Art and Architecture, Department of Architecture and Urban Design, Hamedan, I, R.iran

مقدمه

هم‌اکنون بسیاری از کارشناسان شهری به این نتیجه رسیده‌اند که کوچک‌سازی تشکیلات اداره شهرها به واسطه محله‌ها، با کیفی‌سازی خدمات ارائه‌شده از سوی آنها همراه است، چراکه بزرگی شهرها، مدیریت شهرها را در ارائه خدمات بهتر با مشکل مواجه کرده است. توسعه بی‌حد و مرز شهرهای بزرگ امروز، چاره‌ای جز توجه به محله‌محوری و مشارکت شهروندان در اداره هرچه بهتر شهر به عنوان مکملی، جهت ارتقای حقوق ساکنین آن برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری باقی نگذاشته است. طرح انتقال اداره شهرها از منطقه‌گرایی به ناحیه‌گرایی و سپس محله‌گرایی با تأکید بر تجربیات محلات سنتی، راه حلی معقول در جهت ارتقای کیفیت سکونت، رفع مشکلات در اداره شهرها و توسعه پایدار می‌باشد. امروزه ابعاد انسانی محله بیش از هر زمان دیگر مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته و انسان نیز به عنوان یک موجود اجتماعی به حضور در چنین فضاهایی علاقه فطری دارد [Gehl, 2004]. فضاهای مسکونی امروز از درک روح انسانی و تعلق اجتماعی به دور شده‌اند و به همین دلیل توجه به عوامل مؤثر در تعلق به مکان در محله‌های سنتی و تعمیم آن به واحدهای همسایگی امروز یکی از ضرورت‌های مهم در عرصه طراحی مجتمع‌ها و محیط‌های مسکونی می‌باشد. به دلیل توسعه‌های نامناسب مجتمع‌های زیستی، حس مکان و تعلق به مکان تضعیف شده است و این خود موجب تغییر در احساس و تصور مردم از مکان شده است.

محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. تعلق به مکان، عامل مهمی در هماهنگی فرد و محیط، بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت تداوم حضور در آن می‌باشد [فلاح، ۱۳۸۵]. در این میان، مجموعه‌ای از عوامل محیطی، مناسبات معیشتی، آیین‌ها، مفاهیم اجتماعی و اعتقادی بر پایداری و تعلق اجتماعی در محله سنتی اثر می‌گذارد. شاخصه‌های فرهنگی- اجتماعی محلات سنتی و کارکردهایی که محله به عنوان یک عرصه مسکونی در شهرهای ایرانی ایفاء کرده است، توجه به نقش مفهوم سکونت در ساختار محلات گذشته، عامل مهمی در تحقق سکونت جمعی و ایجاد حس تعلق در محله بوده است که با مطالعات آنها و بهره‌گیری از این تجربیات می‌توان چارچوبی مناسب برای طراحی و برنامه‌ریزی مجتمع‌های مسکونی جهت ارتقای تعلقات اجتماعی و کیفیت سکونت پیشنهاد داد.

تأکید این مقاله بر روی مفهوم تعلق جمعی به مکان و اهمیت آن در تحقق سکونت در محله سنتی است. جهت شناخت عمیق مفهوم تعلق اجتماعی در نظام محلات سنتی، ابتدا به تعریف مفاهیم و کارکردهای محله سنتی در شهرهای ایرانی و اسلامی پرداخته می‌شود و مختصات کالبدی و فضایی محله مورد توجه قرار می‌گیرد، سپس با ارایه شاخص‌های تعلقات جمعی در محله‌های سنتی به ارزیابی و مطالعه آن با استفاده از تحلیل‌های آماری می‌پردازیم.

مبانی شکل‌گیری و ویژگی‌های محله سنتی

محله در لغت‌نامه دهخدا به معنای "کوی، برزن، یک قسمت از چندین قسمت شهر" آمده است [دهخدا، ۱۳۳۶]. در فرهنگ غربی به عنوان واحد همسایگی و با معادل‌هایی مانند Quarter, District و Neighbourhood تعریف شده است. اما مفهوم این معادل‌ها با تعریف، ساختار و ماهیت محله در شهرهای گذشته ما، تفاوت شکلی و ماهوی دارد. واحد همسایگی یک مجموعه برنامه‌ریزی شده و طراحی شده است درحالی‌که محله سنتی یک تشکل اجتماعی است. تعریفی که لینچ از محله دارد عبارت است از: "محله قسمت نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیات یکدست و مشابه باشد و ناظر عملاً بتواند به آن وارد شود" [Lynch, 1960: 126]، اما این تعریف یک واحد همسایگی بوده و نمی‌تواند تعریف جامعی نسبت به آنچه که ما به عنوان محله می‌شناسیم باشد.

شهرهای قبل از اسلام بر اساس نظام طبقاتی حاکم بر جامعه سازماندهی شده است که شامل کهن‌دژ، شارستان و ریض بود. با ظهور اسلام تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در جوامع مختلف گسترش یافت و محله‌ها بر اساس معیارهای فکری، قومی- قبیله‌ای، مذهبی، شغلی و غیره ساکنان شکل گرفتند، طوری‌که این روش محله‌بندی موجب معنادار شدن و هویت‌بخشی اجزای مختلف شهر همچون محله، راه، خانه، فضاهای عمومی و غیره برای ساکنین و حتی بیگانگان شد. "هرکسی، با هر فرهنگ، در هر محدوده جغرافیایی و در هر زمانی، در مورد محله و مفهوم آن بررسی و اظهار نظر کند، ناچار به پذیرش فرضیاتی است که بدیهی‌ترین آنها اطلاق مفهوم مکان به «محله» است" [نقی‌زاده، ۱۳۸۷ الف: ۱۳۸]. "محله در شهرهای اسلامی همان مکان‌های تشکیل شبکه‌های

اجتماعی‌اند و چنین ساختاری بیش از آنکه تنها یک فضا باشند، یک تجربه‌اند" [همان : ۱۴۵]. این مکان شامل فضاهایی برای تحقق شرایط سکونت افرادی است که در آن محله زندگی می‌کنند و یا برای انجام امری یا دریافت خدماتی به آنجا مراجعه می‌کنند. مسجد، مدرسه، تکیه، حسینیه، خانقاه، دارالشفاء عناصر مهم غیر مسکونی بافت محله‌ها هستند. هر محله معمولاً مرکزی داشت با عناصر عملکردی خاص در مقیاس محله که مسجد و بازارچه عناصر اصلی مرکز محلات را تشکیل می‌داد. گاهی اوقات هر چند محله، دارای یک مرکز محله بوده و یک محله اصلی شامل چند زیر محله نیز بوده است [همان : ۱۵۱].

علی‌رغم وجود عوامل وحدت‌بخش در سازمان و کالبد بافت‌های مسکونی در شهرهای اسلامی، هریک از محلات به همراه مراکز آنها شامل فرم‌های مختلف با تنوعات کالبدی، فعالیتی و در نتیجه اجتماع‌پذیری خاصی می‌باشد. برخلاف واحدهای همسایگی یا مجتمع‌های زیستی امروزی که شعاع عملکردهای رفاهی و یا خیابان‌کشی‌ها عامل تعیین‌کننده و مرزبندی محدوده آن می‌باشد، روابط اجتماعی، مالکیت خانه، مسجد و ... حریم محلات گذشته را تعیین می‌کند [پورجعفر، ۱۳۷۶ : ۵۶].

شکل‌گیری اولیه محله براساس تقسیم‌بندی‌های نژادی، قومی، دینی یا خویشاوندی بود و در بسیاری موارد همین امر برای نام‌گذاری محله مورد استفاده قرار می‌گرفت. نام‌گذاری محلات بعضاً براساس نام افراد سرشناس ساکن در محله صورت می‌گرفت. ساختار محله نیز متأثر از عوامل اقلیمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده که بر پایه تجمع و پیوستگی جامعه ساکن در آن، شکل گرفته است. روابط محکم همسایگی با هویت ایرانی-اسلامی و بومی در محلات سنتی منجر به تجلی الگوهای مشترک زندگی، وابستگی عمیق محلی و محترم‌شمردن حریم‌ها در گذشته بوده است. با نفوذ فرهنگ بیگانه، سبک‌های جدید و مدرن معماری و شهرسازی و همچنین محوریت ساخت و سازگرایی در توسعه شهرها، انسجام، حس تعلق، پیوستگی، ارزش‌های محلی - بومی و هویت مستقل محلات از بین رفت.



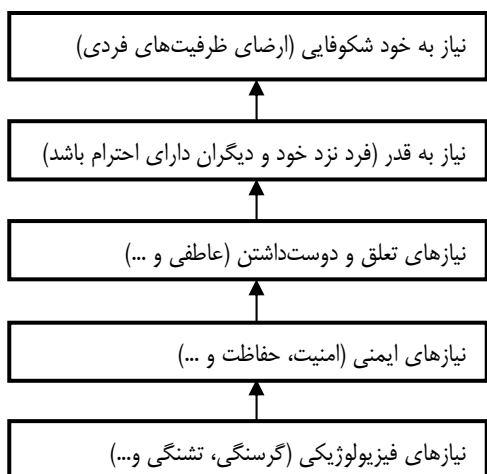
تصویر ۱. تفکیک محلات سنتی همدان. مأخذ: اردلان، ۱۳۴۸

نیاز تعلق به مکان

آدمی به عنوان یک موجود با ابعاد فردی و اجتماعی و همچنین مادی، روحی و روانی، دارای نیازهای مختلفی می‌باشد که همواره به دنبال تأمین آنها در طول حیات خود می‌باشد. در این بین، تأمین این نیازها دارای اولویت و سلسله مراتب خاصی می‌باشد. «مازلو» ضمن بر شمردن انواع نیازهای آدمی، آنها را بر اساس اولویت برآورد آنها دسته‌بندی نموده است.

همان‌طور که می‌بینیم، تأمین این نیازها به صورت اولویت‌بندی خاصی دیده شده است. از مهم‌ترین این نیازها که در صدر هرم اولویت‌بندی نیازها قرار دارد، نیاز به خودشکوفایی می‌باشد که لازمه آن تأمین نیازهای ماقبل خود است. انسان چه به صورت خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه، میل به بروز و ظهور استعدادهای فطری (خودشکوفایی) دارد [لنگ، ۱۳۸۳ : ۹۶].

این امر، زمانی تحقق می‌یابد که سلسله مراتبی از نیازهای انسان از جمله نیازهای تعلق و دوست‌داشتن برطرف گردد. تحقق این سلسله مراتب نیازها بدون شناخت جایگاه آدمی در هستی امکان‌پذیر نمی‌باشد، یعنی انسان با شناخت خود و نیازهای خود و ایجاد مکان و محملی مناسب جهت اقیانوس این نیازها به خودشکوفایی می‌رسد. وقوف و آگاهی کامل به انواع نیازها و تأمین سلسله مراتب نیازها، هرکدام مستلزم بستر و مکان خاص خود می‌باشد، از طرفی کمبود شایستگی‌های محیط منجر به فقدان مشارکت، شخصیت‌زدایی، از دست‌دادن شایستگی‌های فردی و در نهایت عدم خودشکوفایی می‌گردد [Goffman, 1963: 65].



جدول ۱. اولویت‌بندی نیازهای انسانی. مأخذ: نگارندگان براساس آفرینش نظریه معماری، عینی‌فر، ۱۳۸۳: ۹۶.

تعلق اجتماعی به مکان

مجموعه‌ای از حکایات و روایت‌های فردی و جمعی که توأم با مکان رخ می‌دهند در ایجاد تعلقات اجتماعی به مکان مؤثرند [حبیبی، ۱۳۷۸: ۲۰]. این حس به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی و عملکردها، نقشی را برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت می‌باشد و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود. یک مکان به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، احساس تعلق و دلبستگی را شکل می‌دهد [پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳۱۹]. بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت اجتماعی وی را می‌سازد مکانی است که خود را با آن شناسایی کرده و به دیگران نیز می‌شناساند، طوری که آن را می‌توان خودهمانی با فضا نامید و در این راستا فرایندهای اجتماعی در ایجاد تعلق مکانی بیش از کیفیت کالبدی اهمیت دارند [رضازاده، ۱۳۷۸: ۲۳۹]. در روان‌شناسی محیطی، تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد یا جمع با یک محیط اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکان رابطه هویتی فرد به محیط اجتماعی است. احساس تعلق و دلبستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد [فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰]. در این حالت، آدمی نقشی برای مکان در ذهن متصور می‌سازد که مکان را برای وی با اهمیت و محترم متجلی می‌سازد. تعلق مکانی رابطه هویتی فرد به محیط اجتماعی است، که در آن زندگی می‌کند و در محیطی فرهنگی به وجود می‌آید. «کراس» معتقد است که ارتباطات با مکان و تعلق به مکان از طریق برقراری انواع پیوندهایی که افراد با مکان تشکیل می‌دهند، صورت می‌گیرد [Cross, 2005]. وی انواع ارتباطات با مکان و فرآیند آن را به شرح زیر می‌داند.

۲۰

فرآیند	نوع پیوند	رابطه
متولدشدن و زندگی کردن در یک مکان، مکان جزء مکمل تاریخچه شخصی است، با مرور زمان ایجاد می‌شود.	تاریخی و خانوادگی	بیوگرافیکی
احساس کردن حس تعلق، صرفاً احساس می‌شود به جای اینکه ایجاد شود، توصیف آن دشوار است، اغلب غیر متظره است.	هیجانی، ناملموس	روحی، روانی
زندگی براساس رهنمودهای اخلاقی در مورد مسئولیت انسان نسبت به مکان، رهنمودهای مذهبی و غیر مذهبی	اخلاقی و وجدانی	ایدئولوژیکی
کسب اطلاعات در مورد یک مکان از طریق داستان‌ها، از جمله ایجاد اسطوره‌ها، تاریخچه‌های خانوادگی، شرح وقایع	افسانه‌ای	روایی
انتخاب یک مکان بر مبنای ویژگی‌های مطلوب و ترجیحات در مورد سبک زندگی، مقایسه مکان‌های واقعی با مکان ایده‌آل	شناختی	انتطابقی
محدودشدن به واسطه عدم وجود انتخاب، وابستگی به شخص یا فرصت‌ها	مادی	وابسته

جدول ۲. ارتباطات با مکان. مأخذ نگارندگان براساس Cross, 2005.

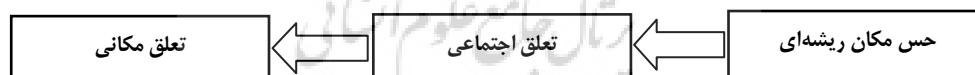
سطوح مختلف تعلق به مکان

کیفیت واحد فیزیکی محیط منطبق با رفتارهای اجتماعی است و کیفیت این رفتارها نیز بسته به میزان و نوع تعلق اجتماعی نسبت به محیط زندگی است. تعلق اجتماع به مکان، تحت تأثیر عوامل نشأت گرفته از انسان‌ها و محیط است و میزان تأثیر عوامل بر اساس شخص و محیطی که شخص در آن زندگی می‌کند متغیر است. تعلق به اجتماع، یعنی ریشه‌داشتن در اجتماع می‌باشد [Ibid]. ریشه‌داشتن در اجتماع موجب آفرینش پیوندهای روان‌شناختی در محیط می‌گردد. تعلق اجتماعی هر فردی به یک مکان شامل تجربه وی در آن محیط و همچنین احساسات او در آن مکان می‌باشد [Ibid]. بر این اساس کراس انواع تعلق به مکان را به شرح ذیل تقسیم نمود:

تعلق به مکان	رضایت	سکونت	هویت محلی	نوع تعلق	تمایلات آتی
ریشه‌داشتن : منسجم	بالا، ارزیابی‌های مثبت	اینجا (فیزیکی، روحی، هیجانی)	قوی	بیوگرافی، روحی، ایدئولوژیکی	ادامه حیات
ریشه‌داشتن : نامنسجم	متغیر	اینجا و آنجا (فیزیکی، روحی، هیجانی)	گسسته	بیوگرافی، روحی، وابسته	متغیر
بیگانگی به مکان	پایین، اغلب ارزیابی‌های منفی	آنجا (فیزیکی، روحی، هیجانی)	ضعیف	وابسته	تمایل برای ترک، اما ناتوان برای انجام چنین کاری.
وابستگی	متغیر، نداشتن ریشه قوی در اجتماعی ویژه	هرجایی	متوسط	انطباقی، بیوگرافی، وابسته	زندگی در مکانی ایده‌آل، هرجایی که باشد.
بی‌مکانی غیر متعهد	متوسط	هرجایی / هیچ‌جایی	ضعیف	وجود ندارد	انتظارات ویژه‌ای در مورد مکان وجود ندارد.

جدول ۳. انواع تعلق به مکان. مأخذ: نگارندگان براساس Cross, 2005.

همان‌طور که دیدیم، قوی‌ترین نوع تعلق به مکان، ریشه‌داشتن در مکان می‌باشد و در عوض افرادی که نسبت به مکان بیگانه‌اند، چندان از مکان راضی نیستند. افرادی که تعلق آنها به مکان، تنها تعلق از نوع وابستگی است، ریشه قوی در تعلق به مکان ندارند. به عبارت دیگر آنها توسط هیچ اجتماعی شناسانده نمی‌شوند و هویت آنها پیوندی قوی با همسایگی آنها ندارد. بنابراین برای اثبات تعلق اجتماعی در محله سنتی که منجر به سکونت جمعی گشته، بایستی دنبال انواع تعلق بود که منجر به ریشه‌داشتن در مکان شده است. حال باید دید کیفیت رابطه تعلقات بیوگرافی، روحی روانی و ایدئولوژیکی در محله سنتی با استمرار سکونت جمعی در آن چگونه است.



جدول ۴. رابطه تعلق اجتماعی با سکونت جمعی در مکان. مأخذ: نگارندگان.

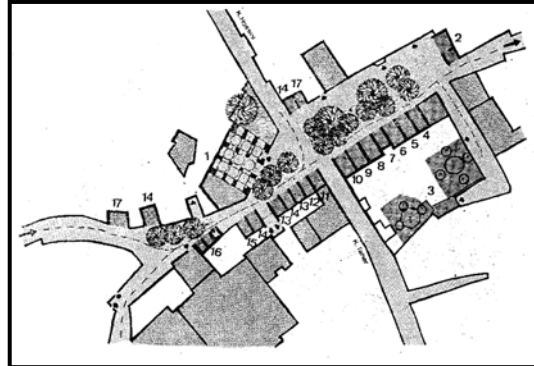
محله مورد مطالعه

یکی از محله‌های سنتی و نسبتاً پابرجا و پایدار به لحاظ اجتماعی و کالبدی در بافت مرکزی شهر همدان، محله حاجی است که دارای مرکز محله مناسب و نسبتاً سالم می‌باشد. علی‌رغم بنا شدن ساختمان‌ها و مغازه‌های جدید در این محله، هنوز شاهد این هستیم که خانه‌ها، کوچه‌ها، دکان‌ها و نشانه‌های سنتی، چهره غالب محله را شکل داده است.



تصویر ۲. مرکز محله حاجی. مأخذ: اردلان، ۱۳۴۸.

تصویر ۳. ساختار مرکز محله حاجی. مأخذ: اردلان، ۱۳۴۸.



روش تحقیق

جهت بالا رفتن ضریب واقعیت و اعتبار تحقیق مورد نظر، سعی فراوانی در انتخاب مناسب مکان، جامعه آماری، گروه‌های سنی، شغلی، اجتماعی، جنسی، مدت سکونت، وضعیت سکونت و ... گردید. بدین منظور ۱۰۰ پرسشنامه با ۲۲ سؤال متنوع که مجموع اهداف ما را تأمین نماید، طراحی گردید. پرسش‌شوندگان از ساکنان محله و با ویژگی‌های متنوع اجتماعی، فرهنگی، شغلی، سنی و جنسی انتخاب گردید. پاسخ‌دهندگان از متوسط سنی بین ۳۰ تا ۶۰ سال انتخاب شدند و توزیع جنسیت در آنها به لحاظ زن و مرد بودن ۶۰ درصد مرد و ۴۰ درصد زن انتخاب گردید. متوسط دوره سکونت پاسخ‌دهندگان محله بین ۱۰ تا ۲۰ سال انتخاب شدند و اکثراً آشنایی کامل با محله داشتند. همه پاسخ‌دهندگان نیز از ساکنان اصیل محله، متولدین و حتی شاغلین در محله انتخاب شدند. در زمینه شغلی و تحصیلی نیز سعی در انتخاب الگوهای تنوعات مختلف، اعم از کارگر، کارمند، کار آزاد، اداره‌ای، بی‌سواد، باسواد، خانه‌دار، دانشجو و شده است.

۲۲

شاخص‌های تعلق روحی روانی

خاطره هیچ‌گاه بی‌واقع در خیال نقش نمی‌بندد و آن زمان که حادثه فرجام می‌پذیرد و روزها و سال‌ها از آن می‌گذرد، آنچه در ذهن باقی می‌ماند، فضایی است که حادثه در آن رخ داده است [حبیبی، ۱۳۸۷: ۱۶]. تعلق به مکان همان‌گونه که با طولانی‌شدن مدت سکونت فرد در یک محل افزایش می‌یابد، وابستگی زیادی به تعامل فرد با دیگران در آن مکان دارد [Relph, 1976:33]. فرایندی که در ایجاد تعلقات روحی روانی نسبت به محیط ایجاد می‌گردد، از جنس آشنایی، احساس، هیجان و خاطره است [Cross, 2005]. تحقیقات، نشان می‌دهد که معیارهای خاطرات جمعی که نقش مؤثری در ایجاد تعلق جمعی به مکان دارد، به دو دسته اصلی "شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی" و "ثبت و انتقال خاطره" تفکیک می‌شود، که هر یک از این دو گروه به دو بخش "ساختار اجتماعی و سیاسی" و "ساختار فضایی و کالبدی" تقسیم می‌شوند [میرمقتدایی، ۱۳۸۷: ۵]. معیارهای فرعی تأثیرگذار در "امکان شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی" مربوط به ساختار اجتماعی و سیاسی شهر، شامل امنیت اجتماعی و محیطی، تنوع قومی، طبقات اجتماعی، وقوع رویدادهای تاریخی، برگزاری مراسم، و معیارهای فرعی مربوط به ساختار کالبدی و فضایی، شامل وجود انواع فضاهای عمومی و پاتوق‌ها در مقیاس محله هستند. معیارهای فرعی تأثیرگذار در "ثبت و انتقال خاطره و تاریخ محله" مربوط به ساختار اجتماعی و سیاسی محله، شامل ثبات و تداوم سکونت، و معیارهای فرعی مربوط به ساختار فضایی و کالبدی، شامل حفظ ابنیه تاریخی و محله، وجود یادمان‌ها، نشانه‌ها و حفظ نام‌ها و اسامی می‌باشد [همان].

رویدادها و عناصر محلی که غبار زمان نیز بر آنها نقش بسته است در خیال جمعی اهالی محله حک شده است و آن را به احساس خاص همراه با هیجان و خاطره تبدیل می‌کند که در نهایت تعلق خاص از جنس روحی و روانی را برمی‌انگیزاند. به همین علت همه فضاهای محله سنتی از آنجاکه استمرار سکونت در آن واقع است، خاطره‌های نسل‌ها در آن نقش بسته است. آن دیوار و این نبش و آن گذر و این

کنج، پیش از آنکه دیوار و گذر باشند، مکان انباشت خاطره‌های جمعی ما هستند، مکان انباشت فرهنگ ما، مکان انباشت سنت‌های جاری و مکان صور خیالی مردمان شهر ما [حبیبی، ۱۳۸۷: ۲۰]. مکان‌های مرجع محله همان ریشه‌های آشنایی با فضاهای محله سنتی است که محله به واسطه این فضاهای آشنا، به خود صورت می‌بخشد و موجبات تعلق روحی روانی ساکنان را فراهم می‌نماید. بحث دیگری که در این زمینه مطرح است، رابطه درونگرایی محله سنتی با تعلقات روحی روانی می‌باشد. بر اساس تحقیقات به عمل آمده، اجتماعات برون‌گرا به سطح بالاتری از تحریک محیطی نیاز دارند [Canter, 1971:127]. از طرف دیگر جامعه و افراد درونگرا بیشتر تمایل به داشتن قلمرو دارد و خانه‌های حیاطدار را ترجیح می‌دهند [لنگ، ۱۳۸۳: ۱۷۰]. بنابراین وجود حیاط‌های مرکزی و همچنین کوچه‌های بن‌بست و جداره‌های بدون روزنه و ساده در محلات سنتی، موجب ایجاد بستری مناسب جهت هماهنگی با ویژگی‌های روحی روانی ساکنین محله گشته است.

عامل مهم دیگر در این زمینه، نقش آیین‌ها و افسانه‌ها و یا به عبارتی سنت‌ها در ایجاد حس تعلق و ماندگاری در مکان است. «رلف» از بین رفتن آیین‌ها را باعث مردن مکان می‌داند [Relf, 1976:207]. به عنوان مثال، برگزاری سالیانه مراسم عاشورا نه تنها موجبات تعلق افراد ساکن به محله را فراهم می‌نماید، بلکه شاهد این هستیم که افرادی که قبلاً در محله سکونت داشته‌اند، برای شرکت در این مراسم، محله گذشته خود را انتخاب می‌نمایند. از عوامل ساختاری و کالبدی که موجب ایجاد خاطره و در نهایت تعلق روحی روانی در محلات سنتی گشته است، عدم شباهت بیش از حد اجزای محله است که خود موجب خوانایی خاص هر محله و تمایز ساختاری و کالبدی بین محلات می‌گردد. تصویر ذهنی و بار خاطراتی هر شخصی نسبت به اجزای محله با تفاوت‌های خاص خود، ممکن است متفاوت باشد. لیکن همین اجزای متفاوت در تشخص و هویت بخشی به محله نقش مهمی را دارا هستند. در این میان، نقش نقاط شاخص محله سنتی را نمی‌توان نادیده گرفت. این نقاط شاخص همان مبادی هستند که به واسطه آن موجب شناسایی و نشانی دادن به همه نقاط محله سنتی می‌باشد. بار خاطراتی این نقاط، زمانی بیشتر عیان می‌شود که سایر اجزای محله سنتی نیز با این نقاط، برخلاف محلات امروزی، ارتباط فضایی و کالبدی قوی‌ای برقرار نموده‌اند. این نقاط شاخص می‌تواند امامزاده، مسجد، مرکز محله، درخت و ... باشد. فضاها، گره‌ها و کاربری‌هایی که تظاهر بیرونی بیشتری داشته نظیر مرکز محله یا مسجد، بار خاطراتی جمعی بیشتری را در اذهان ساکنان محله نقش بسته است.

ساختارهای اجتماعی

آشنایی افراد محله
طبقات اجتماعی هم سطح
وقایع و حوادث (خاطره‌ها)
روابط همسایگی‌ها
برگزاری آیین‌های جمعی
سازمان‌ها و نهادهای مردمی

ساختارهای کالبدی

مرکز محله‌ها
نشانه‌ها
درونگرایی محله
ابنیه تاریخی
عناصر خاطره‌ساز
نام‌ها و اسامی

پیوندهای هیجانی و خاطره‌ای ← رابطه روحی روانی

نمودار ۱. شاخص‌های تعلق روحی- روانی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. مسجد محله حاجی یک نشانه کالبدی و عملکردی.
مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. مرکز محله حاجی.
مأخذ: نگارندگان.

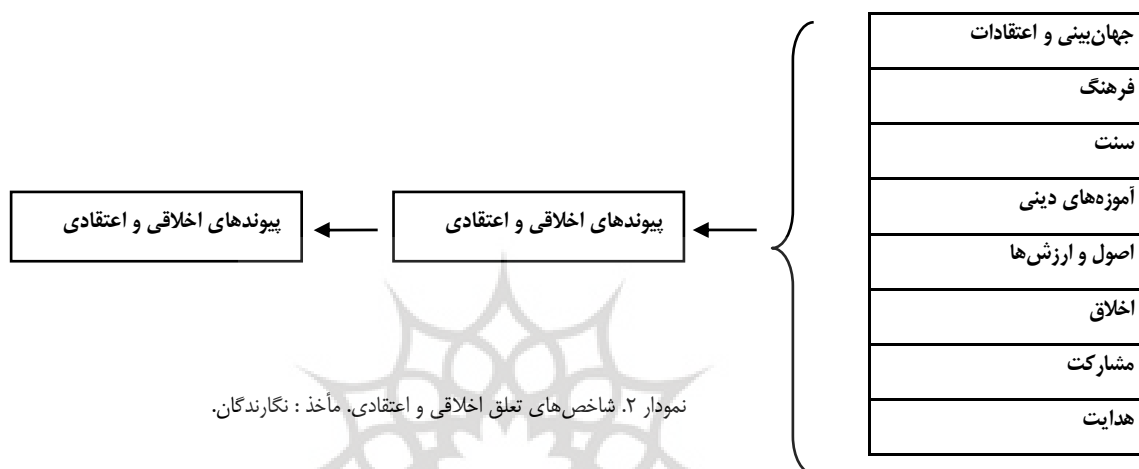
شاخص‌های تعلق اخلاقی و ایدئولوژیکی

مفهومی که مکان و خصوصیات آثار انسانی القاء می‌کنند، برگرفته از شاخص‌های فرهنگی و جهان‌بینی آن جامعه است. هیچ رفتار، اثر انسانی و محیط زندگی وجود ندارد، مگر اینکه از فرهنگ و جهان‌بینی آن جامعه متأثر نباشد [نصر، ۱۳۷۹: ۷]. از آنجاکه فرهنگ و جهان‌بینی، دو عنصر مهم فضای حرکت جامعه به سمت کمال می‌باشد، لذا در ارتباط با اخلاق و مسئولیت نیز بایست به فرهنگ و جهان‌بینی آن جامعه رجوع شود تا معیار زندگی و ارزش‌های اخلاقی نزد آن جامعه مشخص گردیده و سپس با توجه به نحوه و میزان پیاده‌شدن این ارزش‌های اخلاقی در جامعه، به دنبال تعلق اخلاقی گشت. آنچه که در این نوع تعلق طبق نظریات «کراس» مطرح است، تطابق ساختار فضا با خلیات، اعتقادات و باورهای افراد جامعه می‌باشد [Cross, 2005]. فارابی از مدینه فاضله نام می‌برد که در آنجا انسان‌ها همگی نسبت به هم برابر بوده و فضای آنجا، فضایی مبتنی بر عدالت، امنیت، مدیریت سالم شهر، حقوق اهل شهر، ویژگی‌های اخلاقی و روانی ساکنان، مبانی رفتاری اهل شهر و غیره است [نقی‌زاده، ۱۳۸۷ الف]. رفتارهای فردی و جمعی در یک مکان برگرفته از اصول و ارزش‌هایی است که ریشه در اعتقادات و جهان‌بینی مردمان آن دارد. هر قدر تطابق فضایی و کالبدی مکان با اصول، مبانی، ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای اصول اعتقادی افراد جامعه بیشتر باشد، تعلق خاطر به آن مکان نیز بیشتر می‌گردد. اعتقاد افراد جامعه در بایدها و نبایدهایی است که چنانچه در ساختار اجتماعی و فضایی مکان متجلی گردد، می‌تواند منجر به تعلقات اخلاقی و ایدئولوژیکی شود.

فضای فکری که در محله سنتی حاکم بوده است نقش مهمی در تعلق اجتماعی و هویت‌بخشی فضای محله ایفاء نموده است. این فضای فکری که منبعث از ارزش‌های انسانی و بینش اعتقادی و اخلاقی اهل محله بوده است موجب ایجاد تعلق اخلاقی خاص و همچنین مسئولیت‌پذیری نسبت به فضا و مکان گشته است. آیات و روایات بسیار متعددی در فرهنگ اسلامی و متون اسلامی راجع به مسئولیت انسان نسبت به مکان و حیات خصوصی و جمعی وجود دارد، زیرا انسان، جانشین خدا بر روی زمین بوده، بنابراین مسئولیت خاصی نیز نسبت به زمین و مکان حیات خود دارد. تعلق اخلاقی مبتنی بر ایمان و باور ساکنان محله است. رکن اصلی ایمان نیز توحید بوده، بنابراین در جهت تجلی این باور مسجد محله نقشی خاص در جهت هدایت، تعلق اخلاقی و ایدئولوژیکی بازی می‌کند. همه موضوعات مربوط به فضای فکری و تعلق اخلاقی محله سنتی به اصل توحید ارجاع می‌گردد، که ثمره آن تقوا می‌باشد [نقی‌زاده، ۱۳۸۷ ب: ۳۲۴]. این اصل، ساکنان محله را به نوع رفتار، نوع ارتباط با یکدیگر، چگونگی ارتباط با طبیعت و فضای زندگی هدایت می‌کند. یعنی عمل، رفتار و تعهد اهل محله نسبت به مکان محله بر اساس آموزه‌های دینی استخراج می‌گردد و احساس و نوع رفتاری که اهل محله نسبت به فضاهای محله نیز دارند برگرفته از اخلاق اسلامی می‌باشد. در نتیجه ساکنان محله، آنگونه که اعتقاداتشان می‌گوید با فضاها و عناصر محله رفتار کرده که این خود نوعی تعلق اخلاقی به محیط را ایجاد می‌نماید و کالبد محله نیز تجلی اصول و ارزش‌های پایدار به آن می‌باشد. مسلمان و مؤمن زیستن اهالی محله، ضرورت ایجاد فضای فکری خاصی است که منجر به نوعی آداب رفتاری و سپس فضای عینی خاص گردیده که در نهایت تعلق اخلاقی خاصی را در محله تعریف و تبیین می‌نماید. بعضی از ارزش‌های اسلامی که در محله سنتی در چارچوب کالبد، فضا و اجتماع اهالی، ساری و جاری بوده و منجر به تعلق اخلاقی در محله نیز گشته عبارت است از: وحدت، عدل، عبادت، ذکر، احسان، امر به معروف و نهی از منکر، کرامت، تفکر، حیاء، تواضع، آموزش، پرورش و غیره. با عنایت به تأثیر محیط بر انسان،

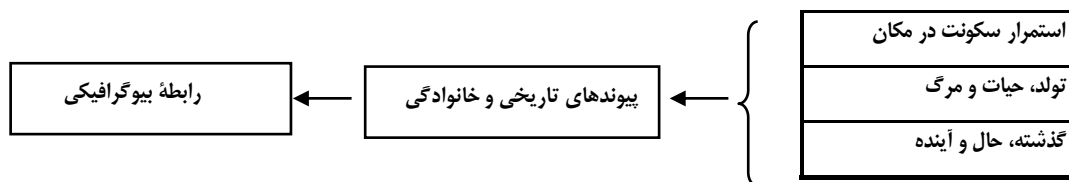
فرهنگ و رفتارهای انسانی، فضای فکری، رفتاری و عینی، محله سنتی مأمّن تجلی بروز رفتارها و اخلاقیاتی بوده که در چارچوب باورها و اعتقادات اهالی محل تعریف شده است. ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی، مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر فضای محله سنتی می‌باشد.

عامل دیگری که در تعلق اخلاقی اهل محل مؤثر بوده، منبع و مأخذ مشترک قوانین حاکم بر محله است که همگی نشأت گرفته از مبانی اعتقادی و فرهنگی اهالی آن می‌باشند [نقی‌زاده، ۱۳۸۷ الف: ۱۳۹]. این قوانین، همان حاکمیت قانون الهی است که همگی را ملزم به پایبندی به آن می‌کند و موجب همبستگی، پیوستگی، عدم انقطاع و پیکره واحد می‌گردد و از جنس قراردادهای اجتماعی نمی‌باشد. بنابراین، همین عامل مشترک موجب پایداری سکونت و تعلق خاطر نسبت به محیط ساکنین محل گشته است.



شاخص‌های تعلق بیوگرافیکی

تعلق به مکان با طولانی شدن مدت سکونت فرد در یک محل افزایش می‌یابد، به ویژه هنگامی که فرد جایی زندگی می‌کند، که در آن متولد نیز شده باشد. بنابراین استمرار سکونت و تولد، عامل مهمی در ایجاد تعلق به مکان می‌باشد [Relf, 1976:33]. فرآیندی که در این نوع تعلق مطرح می‌شود، تولد، حیات، مرگ و استمرار آن و یا به عبارتی گذشته، حال و آینده می‌باشد. گذشته‌ای که خاطره‌هایش ذهن را به خود مشغول می‌دارد، حالی که در گذر است و در آن حضور میسر نمی‌گردد و آینده‌ای که بستر آمال و آرزوهای دور و دراز است [حبیبی، ۱۳۸۷: ۱۸]. حیات و زندگی ساکن در محله با قصه تولد وی آغاز می‌گردد. محله سنتی، جزو مکمل تاریخچه اهالی آن می‌باشد، طوری که می‌توان ریشه‌های تاریخی و خانوادگی ساکنان آن را در همان محله پیدا نمود. آنچه که این امر را در محلات گذشته قوت بخشیده، زمینه استمرار سکونت در محله است که این خود موجب پیوندهای اجتماعی و آشنایی در محله گشته است. اهالی یک محله دیگر شهروند به معنای امروزی نمی‌باشند، بلکه سکونت دایم موجب حس تعلق به محله گشته است. محله در گذشته، مکان وقوع زندگی روزمره آدمی است و نقشی را که هر فرد می‌پذیرد متأثر از ارزش‌های مشاع محلی است. بنابراین، محله، مأمّن حضور گذشته، حال و آینده آدمی در کالبد و تاریخ آن است. هر اندازه که ویژگی‌های محیط و مکان زندگی ما به ویژگی‌های محیط و مکانی که در آن زائیده و بزرگ شده‌ایم، نزدیک‌تر باشد، آن مکان و محیط با ایده‌آل‌های ما منطبق‌تر است [Bachelard, 1969: 61]. بنابراین، زمانی تعلق به مکان برای ما اهمیت بیشتری می‌یابد که مکان علاوه بر ارتباط با گذشته و حال، آینده را نیز شامل گردد. هر فردی محله سکونت خود را با یکسری ارزش‌های نمادی و عملکردهای خاص ذهنی پر می‌کند که درک این ارزش‌های درونی و نمادها برای افراد غریبه مشکل می‌باشد [Gram, 2004: 21]. محله سنتی با ایجاد وحدت انسان‌ها، آنان را هویتی مشترک بخشیده و موجب استوار کردن پایه‌های جامعه شده و این نقشی است که ایفای آن تنها به دلیل زایش آدمی در محله به عنوان مکان دایم زندگی میسر می‌گردد.



نمودار ۳. شاخص‌های تعلقات بیوگرافیکی. مأخذ: نگارندگان.

بحث

همان‌طور که کراس بیان نمود و با سنجش پاسخ‌ها، رابطه روحی روانی، بالاترین میزان و تأثیر در ایجاد حس تعلق به محله را دارا می‌باشد. عوامل و ساختارهای اجتماعی تأثیرگذار در پیوندهای روحی روانی اغلب شامل؛ روابط همسایگی، آشنایی افراد، خاطره‌های تلخ و شیرین در محله، وجود طبقات اجتماعی هم سطح در کنار همدیگر، برگزاری آیین‌های جمعی و وجود سازمان‌ها و نهادهای مردمی در محله می‌باشد، که در این میان روابط همسایگی و آشنایی افراد نقش بسزایی در ایجاد پیوندهای روحی روانی ایفا می‌نماید. در مورد نقش ساختارهای فضایی و کالبدی در ایجاد پیوندهای روحی روانی، می‌توان گفت که وجود مرکز محله با سازمان فضایی خاص و عملکردهای متنوع و مورد نیاز، عناصر و نشانه‌های کالبدی نظیر مسجد محله، چمن و درخت در مرکز محله و همچنین نام‌گذاری کوچه‌ها و فضاها با اسامی هویت‌دار و در نهایت بناهای تاریخی نظیر حمام، مسجد، بازارچه و... بیشترین نقش را در ایجاد پیوند روحی روانی افراد بازی می‌کردند. در نهایت، نقش عوامل و ساختارهای اجتماعی در ایجاد پیوندهای روحی روانی بیش از نقش ساختارهای فضایی و کالبدی در محله بود.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که پیوندهای اخلاقی نقش اندک بیشتری نسبت به پیوندهای بیوگرافیکی در ایجاد حس تعلق نسبت به محله بازی می‌کنند و رابطه معناداری بین عوامل روحی-عاطفی، بیوگرافی و اخلاقی وجود دارد؛ با ملاحظه جداول همبستگی اسپیرمن نتایج ذیل به دست می‌آید:

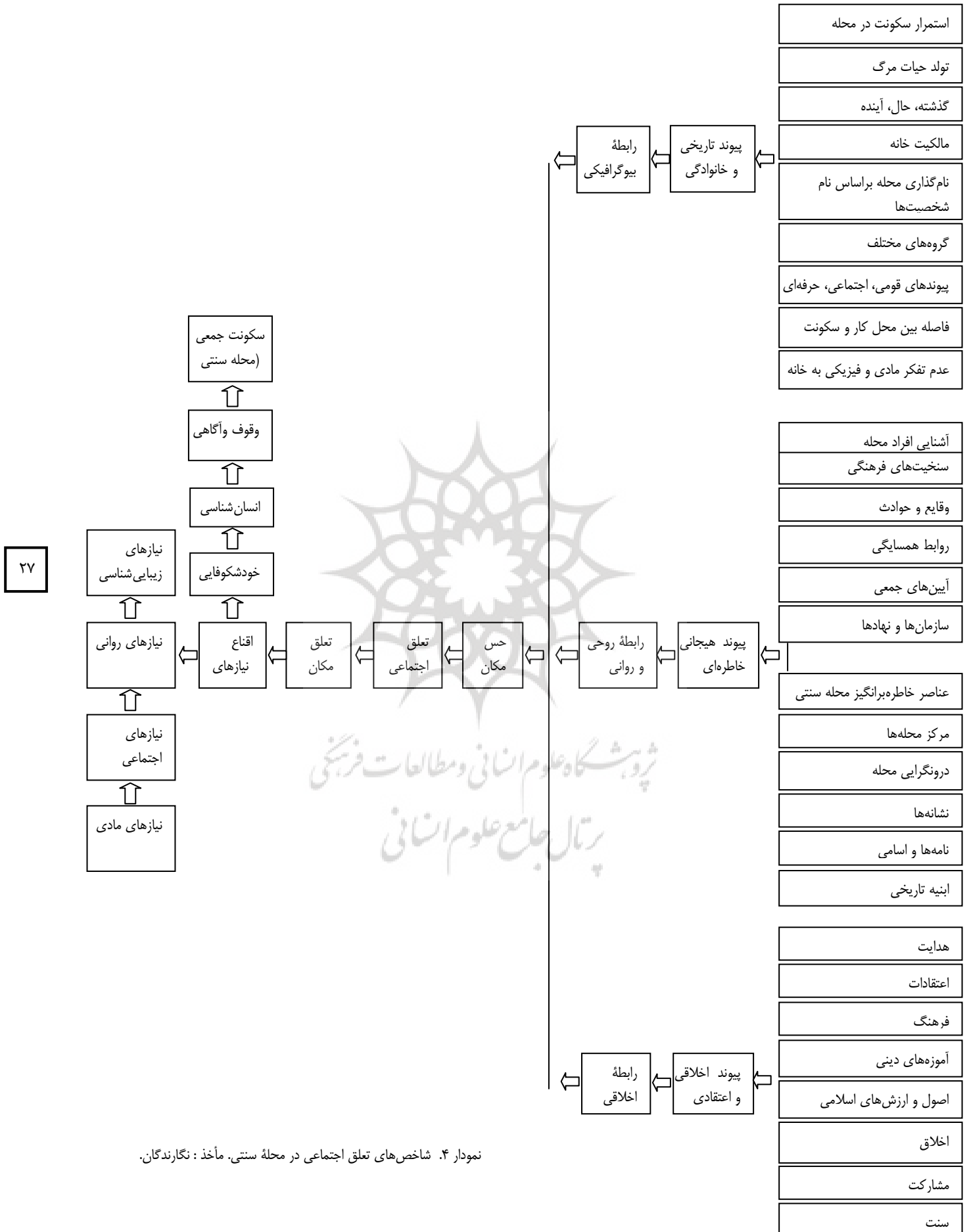
۲۶

اخلاقی	بیوگرافی	روحی و عاطفی	اسپیرمن
۰.۵۶	۰.۴۶	۱	روحی و عاطفی
۰.۵۶	۱	۰.۴۶	بیوگرافی
۱	۰.۴۶	۰.۵۶	اخلاقی

جدول ۵. ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی ارتباطات روحی-عاطفی، بیوگرافی و اخلاقی با همدیگر در محله. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

تحقق تعلق جمعی در محله سنتی ناشی از تجربه متقابل نیروهای فیزیکی، هیجانی، اجتماعی بوده که در غالب سه نوع رابطه بیوگرافیکی، روحی-روانی و اخلاقی تعریف می‌شود. تعلق افراد محله به محیط و محله زندگی خود، حاصل ارتباط درونی، تصورات ذهنی، خصوصیات محیطی و مبانی فرهنگی و اعتقادی ساکنان آن بوده است. حس تعلق به محله از یک طرف، ریشه در استمرار سکونت و تجربه‌های ذهنی افراد نظیر؛ وقایع، سنت، تاریخ، فرهنگ، اعتقادات، اجتماع و... دارد و از طرف دیگر برگرفته از بسترهای عینی و بیرونی در محیط، نظیر؛ نوع طراحی، سازمان محله، کالبد و... می‌باشد. بنابراین، محله سنتی آنجایی است که نیازهای جمعی و فردی افراد علاوه بر سرپناه، رشد اجتماعی و نیازهای روان‌شناختی را در بر گرفته است و این بدان معناست که شهرسازان و طراحان، بایستی در طراحی محیط متوجه تنوع نیازهای انسانی بوده و در برآوردن آنها کوشش حداکثری نمایند و همچنین در مورد ارتباطات بین مفاهیم گذشته، حال و آینده فضای مورد طراحی خود بینشی کامل بدست آورده تا زمینه‌های تحقق سکونت اجتماعی، فراهم گردد. در نمودار زیر مؤلفه‌های مهم در ارتباط با تعلق جمعی به مکان که منجر به تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی شده، بیان گردیده است.



نمودار ۴. شاخص های تعلق اجتماعی در محلۀ سنتی. مأخذ: نگارندگان.

فهرست منابع

- اردلان، نادر. ۱۳۴۸. تهیه طرح جامع دانشگاه بوعلی سینا. همدان : مشاور کندلیس.
- پاکزاد، جهانشاه . ۱۳۸۸. سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳. تهران : انتشارات شهیدی.
- پورجعفر، محمدرضا. ۱۳۷۶. نقش و جایگاه مسجد در برنامه‌ریزی و طراحی محله‌های شهرهای اسلامی. تهران : دانشگاه تربیت مدرس.
- حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۷. فضای شهری، حیات واقعه‌ای، و خاطره جمعی. مجله صفا، پائیز و زمستان.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۳۶. لغت‌نامه، جلد ۹. تهران : انتشارات سیروس.
- رضازاده، راضیه. ۱۳۷۸. کاربرد علوم محیطی در فرایند مطالعاتی طراحی شهری، تهران.
- فلاحت، محمد صادق. ۱۳۸۵. مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- لنگ، جان. ۱۳۸۳. آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). ت : علی‌رضا عینی‌فر. تهران : انتشارات دانشگاه تهران.
- میرمقتدایی، مهنا. ۱۳۸۷. معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۷۹. علم و تمدن در اسلام. ت : احمد آرام. تهران : خوارزمی.
- نقی‌زاده، محمد . ۱۳۸۷ الف. شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات). اصفهان : سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
- نقی‌زاده، محمد . ۱۳۸۷ ب. مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی. اصفهان : سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.

References

- Bachelard, G. (1969). "The Poetics of Space", Boston: Beacon Press.
- Canter, D. (1971). "The Psychology of Place", London: the Architectural Press.
- Cross, J. (2005). "What is Sense of Place", Research On Place & Space Website, 20Feb.
- Gehl, J & Lars Gemzoe. (2004). "Public Spaces, Public Life", The Danish Architectural press.
- Goffman, E. (1963). Behavior in Public Space, New York: Free Press.
- Gram-Hamssen, K . (2004). "House, Home and Identity from Consumption Perspective", housing Theory and society, 2004, vol 21, No 1.
- Lynch, K. (1960). "The Image of the city", MIT Press.
- Relph, E. (1976). " place and placelessness", London: pion.